Journal of
Comparative Criminal Jurisprudence
www.jccj.ir

Volume 6, Issue 5, 2027

Legal and Institutional Challenges and Barriers to E-Government Development: A Comparative Study of Iran and Iraq

Aysar Jawad Kazim Al-Makhsousi [1], Ali Asghar Alamian [2*], Alireza Ansari Mahyari [3]

1. Department of law, Na.C., Islamic Azad University, Najafabad, Iran.
2. Department of Criminal Law and Criminology, Isfahan (Khorasgan) Is.C., Islamic Azad University, Isfahan, Iran. (Corresponding Author)
3. Assistant Professor, Department of Law, Na.C., Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

ARTICLE INFORMATION

***Type of Article:*Original Research**
***Pages:* 1-10**

Corresponding Author's Info
ORCID: *0000-0003-2266-672X*
TELL: *+9800000000*
Email: *1819204707@iau.ac.ir*

Article history:
Received: *03 Sep 2026*
Revised: *20 Sep 2026*
Accepted: *18 Oct 2026*
Published online: *20 Feb 2027*

Keywords:
E-Government, Legal Barriers, Institutional Capacity, Digital Governance, Iran, Iraq.

ABSTRACT

E-government, as a key component of modern governance, plays a significant role in improving administrative performance, enhancing transparency, and strengthening the accountability of government institutions. However, its development in different countries faces various legal, institutional, cultural, and infrastructural barriers. This study aims to identify and compare the legal and institutional challenges affecting e-government development in Iran and Iraq. Adopting a comparative approach, the study employs a descriptive-analytical method and content analysis of legal documents, government reports, and relevant literature to examine the existing barriers in both countries. The findings indicate that Iran has established relatively coherent legal frameworks, digital platforms, and supervisory institutions that facilitate e-government development. Nevertheless, ineffective law enforcement, institutional coordination problems, administrative resistance, and cybersecurity limitations remain significant obstacles. In contrast, Iraq faces challenges such as inadequate binding legislation, insufficient information technology infrastructure, and institutional weaknesses. The comparative findings reveal that the primary barriers to e-government development in Iran are largely related to implementation and interinstitutional coordination, whereas in Iraq, deficiencies in legal frameworks and institutional capacities constitute more fundamental obstacles. Accordingly, e-government development strategies should be tailored to the specific conditions of each country. In Iran, strengthening legal enforcement mechanisms and improving coordination among government agencies are essential priorities. In Iraq, establishing comprehensive legal frameworks and enhancing institutional capacities are crucial steps toward achieving effective and sustainable e-government development.

This is an open access article under the CC BY license. © 2027 The Authors.

How to Cite This Article: Al-Makhsousi, A; Alamian, A. A & Ansari Mahyari, A (2027). "Legal and Institutional Challenges and Barriers to E-Government Development: A Comparative Study of Iran and Iraq". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 5(6): 1-10.

فصلنامه فقه جزای تطبیقی
www.jccj.ir

دوره ششم، شماره پنجم، اسفند ۱۴۰۵

چالش‌ها و موانع حقوقی و نهادی در توسعه دولت الکترونیک: بررسی تطبیقی ایران و عراق

ایسر جواد کاظم المکصوصی[۱] ، علی اصغر عالمیان [۲*]، علیرضا انصاری مهیاری[۳]

۱. گروه حقوق، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.

۲. گروه حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران. (نویسنده مسؤول)

۳. گروه حقوق، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۰-۱

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید: ۰۰۰۰-۰۰۰۳-۲۲۶۶-۶۷۲X

تلفن: ۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰+۹۸

ایمیل: 1819204707@iau.ac.ir

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۶/۱۲

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۵/۰۶/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۷/۲۶

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۱۲/۰۱

واژگان کلیدی:

دو لت الکترون یک، موانع حقوقی، ظرف یت نهادی، حکمرانی دیجیتال، ایران، عراق.

چکیده

دولت الکترونیک به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های مهم حکمرانی نوین، نقش بسزایی در بهبود عملکرد نظام اداری، افزایش شفافیت و تقویت پاسخگویی نهادهای دولتی دارد. با این حال، توسعه آن در کشورهای مختلف با موانع حقوقی، نهادی، فرهنگی و زیرساختی مواجه است. پژوهش حاضر با هدف شناسایی و مقایسه چالش‌های حقوقی و نهادی توسعه دولت الکترونیک در ایران و عراق انجام شده است. این مطالعه با رویکرد تطبیقی و با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی و تحلیل محتوای اسناد قانونی، گزارش‌های دولتی و مطالعات مرتبط، موانع موجود در دو کشور را بررسی می‌کند. یافته‌ها نشان می‌دهد که در ایران، وجود چارچوب‌های قانونی نسبتا منسجم، سامانه‌های دیجیتال و نهادهای نظارتی، زمینه مناسبی برای توسعه دولت الکترونیک فراهم کرده است؛ با این حال، ضعف در اجرای قوانین، ناهماهنگی نهادی، مقاومت اداری و محدودیت‌های امنیت سایبری همچنان از موانع مهم محسوب می‌شوند. در مقابل، عراق با چالش‌هایی همچون ضعف قوانین الزام‌آور، کمبود زیرساخت‌های فناوری اطلاعات و نارسایی در ساختارهای نهادی مواجه است. یافته اصلی مقایسه نشان می‌دهد که موانع توسعه دولت الکترونیک در ایران بیشتر ماهیت اجرایی و هماهنگی نهادی دارند، درحالی‌که در عراق، ضعف ساختارهای حقوقی و ظرفیت‌های نهادی نقش بنیادی‌تری ایفا می‌کند. بنابراین، راهبردهای توسعه دولت الکترونیک باید متناسب با شرایط هر کشور تدوین شوند. در ایران، تقویت ضمانت اجرای قوانین و هماهنگی میان دستگاه‌ها و در عراق، تکمیل چارچوب‌های قانونی و توانمندسازی نهادهای مسؤول، از اولویت‌های اساسی برای تحقق دولت الکترونیک کارآمد و پایدار به شمار می‌روند.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی مقاله حاضر به‌صورت غیرتجاری را دارند.

© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

مقدمه

در دهه‌های اخیر، تحولات فناوری اطلاعات و ارتباطات، نظام‌های حکمرانی را با چالش‌ها و فرصت‌های جدیدی مواجه کرده است. دولت الکترونیک، به‌عنوان نماد این تحولات، علاوه بر دیجیتالی‌سازی خدمات عمومی، زمینه‌ساز اصلاح ساختار اداری، افزایش شفافیت و ارتقاء پاسخگویی در نظام‌های حقوقی و اداری محسوب می‌شود (نصیری، ۱۳۹۹: ۲۷). توسعه دولت الکترونیک نه تنها یک ضرورت تکنولوژیک است، بلکه به‌عنوان ابزاری برای تحقق اصول حقوق عمومی و حکمرانی خوب در نظام‌های مدرن تلقی می‌شود. این مسئله در کشورهایی مانند ایران و عراق که تجربه متفاوتی از اصلاحات اداری و فناوری اطلاعات دارند، اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند.

ایران در مسیر توسعه دولت الکترونیک، با تصویب قوانین متعدد از جمله «قانون تجارت الکترونیکی» (۱۳۸۲)، «قانون جرائم رایانه‌ای» (۱۳۸۸) و «قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات» (۱۳۸۸)، چارچوب قانونی مناسبی ایجاد کرده و سامانه‌های دیجیتال متعددی را راه‌اندازی کرده است. این سامانه‌ها ضمن تسهیل ارائه خدمات عمومی، امکان نظارت بر عملکرد دستگاه‌های اجرایی را برای شهروندان فراهم کرده و فرآیند تصمیم‌گیری را به شکل شفاف و پاسخگو تبدیل کرده‌اند (کاظمی، ۱۳۹۸: ۶۳). با این حال، توسعه دولت الکترونیک در ایران با چالش‌هایی همچون مقاومت بخشی از کارکنان دولتی، ضعف فرهنگ سازمانی و محدودیت‌های امنیت سایبری مواجه است که تحقق کامل اهداف را دشوار می‌سازد. در عراق، وضعیت متفاوتی مشاهده می‌شود. پس از تصویب قانون اساسی جدید در سال ۲۰۰۵، نهادهای حقوقی و اداری به سمت اصلاح و ایجاد زیرساخت‌های دیجیتال حرکت کرده‌اند. با این حال، فقدان قوانین الزام‌آور، ضعف نهادهای نظارتی و محدودیت‌های فناوری، پیاده‌سازی دولت الکترونیک را با محدودیت‌های جدی مواجه ساخته است (عبدالرحمن، ۲۰۲۲: ۲۱). پروژه‌هایی مانند «الحکومة الالکترونیة الوطنیة» و سامانه «من أین لک هذا؟» تلاش‌هایی در راستای دیجیتالی‌سازی خدمات و شفافیت داشته‌اند، اما کمبود زیرساخت و فقدان هماهنگی میان دستگاه‌ها، اثرگذاری این اقدامات را محدود کرده است.

با توجه به اهمیت دولت الکترونیک در ارتقاء شفافیت، پاسخگویی و عدالت اداری، مطالعه موانع و چالش‌های حقوقی، فنی، نهادی و فرهنگی در مسیر توسعه آن ضروری است. این مقاله با هدف بررسی تطبیقی ایران و عراق، ضمن شناسایی موانع و محدودیت‌های موجود، به ارائه راهکارهای حقوقی و نهادی برای توسعه پایدار دولت الکترونیک می‌پردازد. تحلیل تطبیقی نشان می‌دهد که موفقیت دولت الکترونیک صرفا نیازمند فناوری پیشرفته نیست، بلکه به اصلاح قوانین، تقویت نهادهای نظارتی، آموزش کارکنان و نهادینه‌سازی فرهنگ شفافیت و پاسخگویی وابسته است (حسینی، ۱۴۰۱: ۸۷). تحولات اخیر و اهمیت جهانی دولت الکترونیک، ضرورت توجه به چارچوب‌های حقوقی، ظرفیت نهادی، زیرساخت‌های فنی و عوامل فرهنگی را برجسته ساخته است. این مطالعه با استفاده از روش تحلیل محتوای اسناد قانونی، گزارش‌های رسمی و مطالعات تطبیقی، تلاش می‌کند با تمرکز بر موانع حقوقی و نهادی، تحلیل علمی و کاربردی از وضعیت دولت الکترونیک در ایران و عراق ارائه دهد. یافته‌ها، سیاست‌گذاران و نهادهای اجرایی را در جهت برنامه‌ریزی، اصلاح قوانین و بهبود زیرساخت‌ها یاری می‌کند و امکان استفاده از تجارب موفق سایر کشورها را فراهم می‌سازد.

۱- بیان مسئله

دولت الکترونیک به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های نوین حکمرانی، زمینه‌ساز اصلاح ساختار اداری، افزایش شفافیت، پاسخگویی و عدالت اداری است. با وجود این، در بسیاری از کشورها، از جمله ایران و عراق، فرآیند پیاده‌سازی دولت الکترونیک با موانع و چالش‌های حقوقی، نهادی، فرهنگی و فنی مواجه است. این چالش‌ها نه تنها سرعت توسعه دولت الکترونیک را کاهش می‌دهند، بلکه امکان دستیابی به اهداف اصلی آن، از جمله کاهش فساد، ارتقاء کارایی و تضمین عدالت اداری را نیز محدود می‌کنند (نصیری، ۱۳۹۹: ۲۷).

در ایران، با وجود چارچوب قانونی نسبتا منسجم و توسعه سامانه‌های دیجیتال، موانع فرهنگی، محدودیت‌های امنیت سایبری و مقاومت بخشی از کارکنان دولتی، فرآیند دولت الکترونیک را با مشکلاتی مواجه کرده است. بررسی تجربه

ایران نشان می‌دهد که قوانین و سامانه‌های موجود، اگرچه زمینه‌ساز شفافیت و پاسخگویی شده‌اند، اما هنوز برخی خلأهای قانونی و نهادی مانع از تحقق کامل اهداف دولت دیجیتال هستند (حسینی، ۱۴۰۱: ۸۷). در عراق، وضعیت پیچیده‌تر است. پس از تصویب قانون اساسی ۲۰۰۵، تلاش‌هایی برای ایجاد زیرساخت‌های دیجیتال و نهادهای نظارتی انجام شده، اما فقدان قوانین الزام‌آور، ضعف نهادهای اجرایی و محدودیت‌های فناورانه، پیاده‌سازی دولت الکترونیک را محدود ساخته است. پروژه‌هایی مانند «الحکومة الالکترونیة الوطنیة» و سامانه «من أین لک هذا؟» گام‌هایی در جهت افزایش شفافیت و پاسخگویی بوده‌اند، اما عدم هماهنگی دستگاه‌ها و نبود ضمانت اجرایی موجب شده این اقدامات در سطح محدود باقی بماند (عبدالرحمن، ۲۰۲۲: ۲۱).

با توجه به این وضعیت، مسئله پژوهش به‌طورکلی می‌تواند چنین بیان شود: با وجود اهمیت دولت الکترونیک در ارتقاء شفافیت، پاسخگویی و عدالت اداری، چه موانع حقوقی، نهادی، فنی و فرهنگی بر توسعه آن در ایران و عراق تأثیرگذار هستند و چگونه می‌توان این موانع را کاهش داد؟ برای پاسخ به این مسئله، پژوهش حاضر از روش تحلیل محتوای اسناد قانونی، گزارش‌های دولتی و مطالعات تطبیقی بهره می‌گیرد. منابع اصلی شامل قوانین مرتبط با دولت الکترونیک در ایران و عراق، اسناد استراتژیک، گزارش‌های سازمان‌های بین‌المللی و پژوهش‌های تطبیقی پیشین است. تحلیل تطبیقی به شناسایی شباهت‌ها و تفاوت‌های حقوقی و نهادی در پیاده‌سازی دولت الکترونیک در دو کشور کمک می‌کند و امکان ارائه راهکارهای عملی برای توسعه پایدار دولت الکترونیک را فراهم می‌آورد.

بر اساس این چارچوب، سؤالات پژوهش به شرح زیر تعیین شده‌اند: چه موانع حقوقی و قانونی بر سر راه توسعه دولت الکترونیک در ایران و عراق وجود دارد؟ چالش‌های نهادی و اجرایی در فرآیند پیاده‌سازی دولت الکترونیک در این دو کشور کدام‌اند؟ نقش عوامل فرهنگی و اجتماعی در موفقیت یا شکست برنامه‌های دولت الکترونیک چیست؟ راهکارهای حقوقی و نهادی مؤثر برای توسعه پایدار دولت الکترونیک چه هستند؟ تحلیل این سؤالات، علاوه بر شناسایی مشکلات موجود، امکان استخراج سیاست‌گذاری‌های کاربردی و تدوین پیشنهادات عملی برای نهادهای اجرایی و قانون‌گذار را فراهم می‌سازد. هدف این پژوهش، ارائه تصویری جامع از وضعیت دولت الکترونیک در ایران و عراق، شناسایی موانع و ارائه راهکارهای تطبیقی است که می‌تواند برای تصمیم‌گیران و پژوهشگران حوزه حکمرانی دیجیتال مفید باشد. در مجموع، این بخش بیان می‌کند که توسعه دولت الکترونیک در هر دو کشور، صرفا مسئله‌ای تکنولوژیک نیست، بلکه مسئله‌ای حقوقی، نهادی و فرهنگی است که موفقیت آن وابسته به تعامل هم‌زمان این ابعاد است.

۲- مبانی نظری و حقوقی تحقیق

دولت الکترونیک نه تنها یک فرآیند فناوری اطلاعات است، بلکه یک مفهوم پیچیده حقوقی، نهادی و اجتماعی محسوب می‌شود که بر حکمرانی، شفافیت، پاسخگویی و عدالت اداری تأثیر می‌گذارد. از منظر نظری، دولت الکترونیک بر اساس اصول حکمرانی خوب، شامل شفافیت، پاسخگویی، عدالت و مشارکت شهروندان تعریف می‌شود (قادری، ۱۳۹۸: ۶۴). این اصول در ادبیات حقوق عمومی به‌عنوان شاخص‌های ارزیابی عملکرد نهادهای دولتی شناخته شده‌اند و تحقق آن‌ها مستلزم چارچوب قانونی، نهادهای اجرایی توانمند و زیرساخت‌های فناورانه مناسب است. از دیدگاه حقوقی، دولت الکترونیک به معنای اعمال حاکمیت دولت با استفاده از فناوری‌های دیجیتال است و هرگونه تعامل میان شهروند و نهادهای عمومی باید مطابق با اصول قانون اساسی و قوانین عادی انجام شود. در ایران، قوانین کلیدی از جمله «قانون تجارت الکترونیکی» (۱۳۸۲)، «قانون جرائم رایانه‌ای» (۱۳۸۸) و «قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات» (۱۳۸۸) چارچوب حقوقی لازم برای اجرای دولت الکترونیک را فراهم کرده‌اند (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۹: ۲۴۳). این قوانین نه تنها مبنای قانونی دیجیتالی‌سازی خدمات هستند، بلکه تضمین‌کننده حقوق شهروندان و ابزارهای نظارتی مؤثر برای کاهش فساد و افزایش پاسخگویی به شمار می‌آیند.

در عراق نیز، چارچوب قانونی دولت الکترونیک بر اساس قانون اساسی ۲۰۰۵ و قوانین مرتبط با نهادهای نظارتی مانند «هیئة

النزاهة» و «دیوان الرقابة المالیة» شکل گرفته است. این نهادها وظیفه دارند شفافیت، پاسخگویی و عدالت اداری را در تعاملات دولت و شهروندان تقویت کنند. با این حال، فقدان قوانین الزام‌آور و نهادهای هماهنگ، پیاده‌سازی کامل دولت الکترونیک را محدود کرده است (وزارة العدل العراقیة، ۲۰۲۲: ۹۲).

مبانی نظری دولت الکترونیک همچنین شامل مدل‌های سازمانی و نهادی است که در مطالعات تطبیقی مورد توجه قرار گرفته‌اند. مدل «حکمرانی شبکه‌ای» تأکید دارد که دولت باید به‌جای تمرکز کامل بر سلسله‌مراتب اداری، از شبکه‌های بین نهادها و تعامل با جامعه بهره گیرد. این مدل در ایران با راه‌اندازی «پنجره واحد کسب‌وکار»، سامانه‌های ثبت شرکت‌ها و پرتال ملی خدمات دولت هوشمند پیاده‌سازی شده است (احمدی، ۱۴۰۱: ۵۳). در عراق نیز، پروژه «الحکومة الالکترونیة الوطنیة» تلاش دارد با ایجاد شبکه‌ای از خدمات دیجیتال میان وزارتخانه‌ها و نهادهای نظارتی، زمینه‌ای برای شفافیت و پاسخگویی فراهم کند، هرچند ضعف زیرساخت‌ها مانع تحقق کامل آن شده است. از منظر حقوق بین‌الملل، دولت الکترونیک تابع اصول عمومی حاکم بر حقوق بشر، حفاظت از داده‌ها و حریم خصوصی است. اسناد بین‌المللی مانند منشور حقوق بشر سازمان ملل، توصیه‌های اتحادیه بین‌المللی مخابرات (ITU) و استانداردهای سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) بر تضمین شفافیت، دسترسی برابر به خدمات و حفاظت از اطلاعات شخصی تأکید دارند. تطبیق قوانین داخلی ایران و عراق با این اصول، شاخص مهمی در سنجش موفقیت دولت الکترونیک است (عبدالله، ۲۰۲۲: ۵۳).

مبانی حقوقی همچنین شامل قوانین مرتبط با نهادهای نظارتی و پاسخگویی است. در ایران، ایجاد سامانه‌های «دیوان عدالت اداری آنلاین» و «سامانه ثبت شکایات مردمی» مبتنی بر الزامات قانونی است که امکان نظارت قضایی و اداری بر عملکرد دولت را فراهم می‌کند. در عراق، با وجود نهادهایی مانند «هیئة النزاهة» و «دیوان الرقابة المالیة»، فقدان ضمانت اجرایی و زیرساخت‌های دیجیتال، مانع بهره‌برداری کامل از ابزارهای حقوقی موجود شده است. به‌طور خلاصه، مبانی نظری و حقوقی دولت الکترونیک در ایران و عراق، ترکیبی از اصول حکمرانی خوب، قوانین داخلی، نهادهای اجرایی و الزامات بین‌المللی است. موفقیت دولت الکترونیک، تابع هماهنگی میان این عناصر است و بدون توجه هم‌زمان به چارچوب‌های قانونی، ظرفیت نهادی، زیرساخت‌های فناوری و فرهنگ سازمانی، تحقق اهداف شفافیت، پاسخگویی و عدالت اداری ممکن نخواهد بود.

۳- موانع حقوقی و قانونی توسعه دولت الکترونیک

موانع حقوقی و قانونی، یکی از مهم‌ترین چالش‌های پیش روی توسعه دولت الکترونیک در ایران و عراق هستند. دولت الکترونیک، به دلیل ماهیت دیجیتال و فناورانه خود، نیازمند چارچوب قانونی جامع، الزام‌آور و هماهنگ است تا تمامی تعاملات میان شهروندان و نهادهای دولتی را تنظیم کند و حقوق شهروندان را تضمین نماید (نصیری، ۱۳۹۹: ۳۱). فقدان چنین چارچوبی، موجب ایجاد اختلاف در نحوه ارائه خدمات، کاهش پاسخگویی و ناکارآمدی سیستم‌ها می‌شود.

در ایران، قوانین متعددی مرتبط با دولت الکترونیک وجود دارد که چارچوب حقوقی لازم را فراهم می‌کند. «قانون تجارت الکترونیکی» (۱۳۸۲) تعاملات تجاری دیجیتال را تنظیم کرده و امنیت قانونی تراکنش‌های آنلاین را تضمین می‌کند. «قانون جرائم رایانه‌ای» (۱۳۸۸) مصادیق تخلفات دیجیتال را مشخص و ابزارهای مقابله با آن‌ها را فراهم ساخته است. همچنین، «قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات» (۱۳۸۸) امکان نظارت و دسترسی شهروندان به اطلاعات دولتی را فراهم کرده است (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۹: ۲۴۳). با وجود این قوانین، هنوز خلأهایی در زمینه الزام دستگاه‌ها به ارائه خدمات الکترونیک یکپارچه، تضمین امنیت داده‌های شخصی و تسهیل دسترسی به اطلاعات برای همه شهروندان وجود دارد (صفری، ۱۳۹۸: ۹۳). به‌عنوان مثال، برخی وزارتخانه‌ها یا سازمان‌های دولتی هنوز فرآیندهای حضوری را ترجیح می‌دهند و سامانه‌های آنلاین آنها کامل و هماهنگ با سایر دستگاه‌ها نیست. این امر باعث می‌شود شفافیت و عدالت اداری به‌صورت کامل تحقق نیابد.

در عراق، موانع حقوقی عمیق‌تر و پیچیده‌تر است. هرچند قانون اساسی ۲۰۰۵ و قوانینی نظیر «قانون تشکیل هیئة النزاهة» و «دیوان الرقابة المالیة» بر پاسخگویی و شفافیت تأکید دارند، اما این قوانین فاقد ضمانت اجرایی قوی هستند و بسیاری از سازمان‌ها اجرای دیجیتال آن‌ها را محدود کرده‌اند (وزارة العدل العراقیة، ۲۰۲۲: ۹۴). فقدان قانون مشخص در حوزه حفاظت از داده‌های شخصی و حریم خصوصی، موجب شده است که بسیاری از اطلاعات دیجیتال بدون کنترل قانونی در دسترس کارکنان یا نهادها باشد. همچنین، عدم هماهنگی میان قوانین ملی، دستورالعمل‌های داخلی وزارتخانه‌ها و پروژه‌های فناوری، موجب شده است که اجرای دولت الکترونیک در عراق بیشتر جنبه آزمایشی و پراکنده داشته باشد.

تحلیل تطبیقی نشان می‌دهد که برای توسعه پایدار دولت الکترونیک، نیازمند چند عنصر کلیدی هستیم: وجود قوانین الزام‌آور و جامع، نظارت قضایی و اجرایی مستمر و هماهنگی میان نهادهای دولتی و فناوری. ایران با چارچوب قانونی نسبتا کامل توانسته است بخشی از این موانع را کاهش دهد، اما نیازمند اصلاحات بیشتر در جهت همگن‌سازی خدمات و ایجاد الزام قانونی برای تمام دستگاه‌هاست. عراق نیز باید با تصویب قوانین جامع، ایجاد نهادهای هماهنگ و ضمانت اجرای قوی، پایه حقوقی دولت الکترونیک را تقویت کند.

۴- موانع نهادی و اجرایی

چالش‌های نهادی و اجرایی یکی دیگر از موانع عمده توسعه دولت الکترونیک است. دولت الکترونیک تنها یک ابزار فناورانه نیست؛ بلکه مستلزم وجود نهادهای اجرایی توانمند، هماهنگ و پاسخگو است تا فرآیندها به شکل مؤثر اجرا شوند و اهداف شفافیت، پاسخگویی و عدالت اداری محقق گردد (حسینی، ۱۴۰۱: ۹۲). در ایران، ایجاد نهادهایی مانند «دیوان عدالت اداری آنلاین» و «سامانه ثبت شکایات مردمی» نمونه‌ای از توانمندسازی نهادی برای پشتیبانی از دولت الکترونیک است. این سامانه‌ها امکان نظارت شهروندان و ثبت شکایات به صورت دیجیتال را فراهم کرده‌اند و گزارش‌های عملکرد دستگاه‌های اجرایی در پرتال‌های ملی قابل‌مشاهده است. با وجود این، مقاومت بخشی از کارکنان و مدیران دولتی در برابر تغییرات دیجیتال، عدم هماهنگی میان وزارتخانه‌ها و محدودیت آموزش کارکنان، باعث شده است که پیاده‌سازی دولت الکترونیک به‌صورت یکنواخت و جامع انجام نشود. برخی کارکنان هنوز فرآیندهای سنتی و حضوری را ترجیح می‌دهند و این امر موجب کاهش کارایی، افزایش هزینه‌های عملیاتی و طولانی شدن زمان پاسخگویی می‌شود (کاظمی، ۱۳۹۸: ۶۵).

در عراق، موانع نهادی جدی‌تر هستند. فقدان نهادهای هماهنگ برای نظارت بر اجرای خدمات دیجیتال، نبود ساختار مدیریتی یکپارچه و محدودیت‌های فنی باعث شده است که بسیاری از خدمات الکترونیک تنها در سطح جزیره‌ای ارائه شوند (عبدالرحمن، ۲۰۲۲: ۳۴). تعامل میان وزارتخانه‌ها و نهادهای نظارتی بسیار محدود است و اطلاعات به‌صورت جداگانه و غیرمنسجم ذخیره می‌شوند. این مسئله علاوه بر کاهش کارایی، مانع تحقق شفافیت و پاسخگویی حقوقی می‌شود. علاوه بر آن، فقدان آموزش تخصصی کارکنان در حوزه فناوری اطلاعات و مدیریت داده، اجرای صحیح و امن دولت الکترونیک را دشوار کرده و امکان تخلفات یا سوءاستفاده از اطلاعات را افزایش می‌دهد.

تحلیل تطبیقی نشان می‌دهد که ظرفیت نهادی، هماهنگی میان دستگاه‌ها، آموزش منابع انسانی و وجود نهادهای پاسخگو، نقش تعیین‌کننده‌ای در موفقیت دولت الکترونیک دارند. ایران با ایجاد زیرساخت‌های اجرایی و سامانه‌های نظارتی توانسته است تا حدی از این موانع عبور کند، اما عراق هنوز با ضعف شدید نهادی مواجه است. بدون اصلاح ساختارهای سازمانی، تقویت نهادهای نظارتی و آموزش کارکنان، توسعه دولت الکترونیک در عراق با محدودیت‌های پایدار مواجه خواهد بود.

همچنین، بررسی تجارب بین‌المللی نشان می‌دهد که هماهنگی میان نهادهای اجرایی، استقرار کمیته‌های نظارتی و تدوین برنامه‌های آموزشی مستمر، نقش مهمی در کاهش موانع نهادی و اجرایی دارد (عبدالله، ۲۰۲۲: ۵۳). فقدان چنین سازوکارهایی، فرآیند تصمیم‌گیری را کند، شفافیت را کاهش و فساد اداری را افزایش می‌دهد. بنابراین، موانع حقوقی و نهادی در ایران و عراق به شکل مستقیم بر موفقیت دولت الکترونیک

تأثیرگذار هستند و رفع آن‌ها نیازمند اصلاحات هم‌زمان در سطح قوانین و نهادهای اجرایی است.

۵- موانع فرهنگی و اجتماعی توسعه دولت الکترونیک

یکی از پیچیده‌ترین و مهم‌ترین موانع پیش روی توسعه دولت الکترونیک، موانع فرهنگی و اجتماعی است که هم بر رفتار سازمانی نهادهای دولتی و هم بر سطح مشارکت شهروندان تأثیر می‌گذارد. در بسیاری از کشورها، فرهنگ سازمانی و نگرش جامعه نسبت به فناوری‌های دیجیتال تعیین‌کننده میزان موفقیت اجرای دولت الکترونیک است. در ایران، با وجود رشد نسبی فرهنگ فناوری اطلاعات و افزایش آگاهی عمومی، هنوز مقاومت سازمانی در بخشی از دستگاه‌های دولتی دیده می‌شود. مدیران و کارکنان سنتی ممکن است اجرای فرآیندهای دیجیتال را به تأخیر بیندازند یا آن را ناقص انجام دهند، چراکه عادت به روش‌های حضوری و سنتی ریشه‌دار است و برخی کارمندان، دیجیتالی‌سازی را تهدیدی برای موقعیت شغلی خود می‌دانند (احمدی، ۱۴۰۱: ۵۷).

علاوه بر مقاومت کارکنان، سطح سواد دیجیتال شهروندان نیز تأثیر مستقیم بر پذیرش خدمات آنلاین دارد. گروه‌هایی از جامعه هنوز توانایی استفاده از خدمات دیجیتال را ندارند یا اعتماد کافی به امنیت داده‌های شخصی خود ندارند که این امر موجب کاهش دسترسی برابر به خدمات و افزایش نارضایتی عمومی می‌شود. نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی نیز در استفاده از فناوری‌های دیجیتال نقش دارند، زیرا بخش‌های محروم جامعه، دسترسی محدود به اینترنت و دستگاه‌های هوشمند دارند و به‌طور کامل نمی‌توانند از خدمات دولت الکترونیک بهره‌مند شوند. در عراق، موانع فرهنگی و اجتماعی شدت بیشتری دارند. بخش عمده‌ای از کارکنان و مدیران دولتی با مفاهیم دولت الکترونیک و فناوری‌های نوین آشنایی کامل ندارند و ترجیح می‌دهند روش‌های سنتی را ادامه دهند. این امر نه تنها موجب کاهش سرعت اجرای برنامه‌ها می‌شود، بلکه کیفیت خدمات را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد (عبدالرحمن، ۲۰۲۲: ۵۰). علاوه بر این، اعتماد پایین جامعه به نهادهای دولتی و نگرانی از سوءاستفاده از داده‌های شخصی باعث شده است که شهروندان به‌طور کامل از خدمات آنلاین استفاده نکنند. فقدان آموزش عمومی، اطلاع‌رسانی محدود و تجربه‌های ناموفق پیشین، مقاومت اجتماعی را تشدید کرده و پذیرش فناوری‌های دیجیتال را کاهش داده است.

تحلیل تطبیقی نشان می‌دهد که موانع فرهنگی و اجتماعی، بخش مهمی از محدودیت‌های توسعه دولت الکترونیک در هر دو کشور را تشکیل می‌دهند. در ایران، تجربه بیشتر در آموزش کارکنان، توسعه سامانه‌های دیجیتال و اطلاع‌رسانی عمومی موجب شده است که بخشی از این موانع کاهش یابد، اما هنوز نابرابری در دسترسی و مقاومت سازمانی ادامه دارد. در عراق، رفع موانع فرهنگی و اجتماعی مستلزم برنامه‌ریزی گسترده، آموزش کارکنان و شهروندان، تغییر نگرش‌های سنتی و ایجاد اعتماد عمومی به سیستم‌های دیجیتال است. راهکارهای پیشنهادی برای کاهش موانع فرهنگی و اجتماعی شامل تدوین برنامه‌های آموزشی مستمر برای کارکنان و مدیران، آموزش عمومی شهروندان در استفاده از خدمات آنلاین، اطلاع‌رسانی شفاف درباره امنیت داده‌ها و ایجاد مکانیسم‌های بازخورد عمومی است. همچنین، استفاده از کمپین‌های اطلاع‌رسانی و تبلیغاتی، ایجاد مشوق برای استفاده از خدمات دیجیتال و ترویج فرهنگ پاسخگویی و شفافیت در میان کارکنان دولتی، نقش مهمی در تغییر نگرش‌ها و افزایش پذیرش دولت الکترونیک دارد (کاظمی، ۱۳۹۸: ۷۵).

۶- موانع فنی، زیرساختی و راهکارهای عملی

موانع فنی و زیرساختی یکی دیگر از چالش‌های اصلی توسعه دولت الکترونیک در ایران و عراق است. موفقیت برنامه‌های دولت الکترونیک نه تنها به قوانین و فرهنگ بستگی دارد، بلکه مستلزم زیرساخت‌های فناورانه قوی، سامانه‌های یکپارچه، شبکه‌های امن و امنیت سایبری قابل اعتماد است. در ایران، با وجود توسعه زیرساخت‌های فناوری اطلاعات و شبکه‌های ارتباطی گسترده، هنوز مشکلاتی جدی مانند عدم یکپارچگی سامانه‌ها، ضعف امنیت سایبری، استانداردهای متناقض میان دستگاه‌ها و کمبود نیروهای متخصص وجود دارد (کاظمی، ۱۳۹۸: ۷۲). بسیاری از سازمان‌ها از سامانه‌های مجزا و غیرهمگون استفاده می‌کنند که موجب محدودیت تبادل اطلاعات، افزایش هزینه‌های عملیاتی و کاهش سرعت

تصمیم‌گیری می‌شود. این عدم هماهنگی نه تنها مانع کارایی شده، بلکه فرصت سوءاستفاده از داده‌ها و کاهش اعتماد شهروندان را فراهم می‌کند.

در عراق، موانع فنی و زیرساختی جدی‌تر و گسترده‌تر هستند. شبکه‌های ارتباطی ناکافی، فقدان مراکز داده امن، تجهیزات محدود و نبود سامانه‌های یکپارچه، امکان ارائه خدمات آنلاین گسترده و مؤثر را محدود کرده است (وزارة التخطيط العراقية، ۲۰۲۰: ۳۷). علاوه بر این، ضعف امنیت سایبری و کمبود آموزش تخصصی کارکنان، اجرای صحیح خدمات دیجیتال را با مخاطرات جدی روبه‌رو کرده و اعتماد جامعه به دولت الکترونیک را کاهش داده است. تجربه ناموفق پروژه‌های آزمایشی، مانند سامانه «من أين لک هذا؟» نشان می‌دهد که بدون زیرساخت پایدار و هماهنگی میان دستگاه‌ها، پیاده‌سازی خدمات الکترونیک با ناکامی مواجه خواهد شد.

برای رفع موانع فنی و زیرساختی، اقدامات زیر ضروری است: توسعه زیرساخت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات شامل شبکه‌های امن، مراکز داده متمرکز، تجهیزات مدرن و فناوری‌های ابری که امکان ارائه خدمات آنلاین پایدار را فراهم کنند.

تقویت امنیت سایبری شامل استفاده از پروتکل‌های استاندارد، سیستم‌های رمزگذاری داده‌ها، آموزش کارکنان و تدوین دستورالعمل‌های حفاظتی.

یکپارچه‌سازی سامانه‌ها و خدمات دیجیتال برای افزایش کارایی، کاهش هزینه‌ها، ایجاد هماهنگی میان دستگاه‌ها و تسریع تبادل اطلاعات.

توانمندسازی منابع انسانی با آموزش تخصصی در زمینه فناوری اطلاعات، مدیریت داده و امنیت سایبری برای افزایش مهارت کارکنان و کاهش خطاهای عملیاتی.

نهادهای نظارتی دیجیتال و پایش مستمر برای کنترل عملکرد سامانه‌ها، شناسایی مشکلات و تضمین شفافیت و پاسخگویی.

توسعه استانداردهای ملی و بین‌المللی برای خدمات دیجیتال، امنیت داده و حفاظت از حریم خصوصی شهروندان.

برنامه‌های اطلاع‌رسانی عمومی و فرهنگ‌سازی دیجیتال به منظور افزایش اعتماد شهروندان و ترویج استفاده از خدمات آنلاین (عبدالله، ۲۰۲۲: ۵۳).

تحلیل تطبیقی نشان می‌دهد که ترکیب اصلاحات قانونی، تقویت زیرساخت‌ها، آموزش کارکنان، توسعه امنیت سایبری و فرهنگ‌سازی اجتماعی، تنها مسیر ممکن برای توسعه پایدار دولت الکترونیک در ایران و عراق است. ایران با زیرساخت‌های نسبتا مناسب، تجربه عملیاتی و نهادهای نظارتی مؤثر، موفقیت بیشتری داشته، اما عراق نیازمند سرمایه‌گذاری گسترده در فناوری، نهادسازی، آموزش و فرهنگ‌سازی است تا اهداف دولت دیجیتال به شکل پایدار تحقق یابد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

تحلیل تطبیقی دولت الکترونیک در ایران و عراق نشان می‌دهد که توسعه و موفقیت آن مستلزم هماهنگی میان چندین عامل حقوقی، نهادی، فرهنگی و فناورانه است. بررسی موانع حقوقی، نشان داد که فقدان قوانین الزام‌آور و چارچوب‌های جامع، به‌ویژه در عراق، مانع اصلی پیاده‌سازی کامل خدمات دیجیتال است. در ایران، قوانین موجود مانند «قانون تجارت الکترونیکی»، «قانون جرائم رایانه‌ای» و «قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات» زمینه قانونی مناسبی فراهم کرده‌اند، اما خلأهایی همچنان وجود دارد که نیازمند اصلاحات و همگن‌سازی سامانه‌ها و الزامات قانونی است. موانع نهادی و اجرایی نیز بخش قابل‌توجهی از چالش‌ها را تشکیل می‌دهند. فقدان هماهنگی میان وزارتخانه‌ها و نهادهای نظارتی، مقاومت سازمانی، کمبود آموزش تخصصی کارکنان و ضعف ساختارهای مدیریتی، به‌ویژه در عراق، فرآیند توسعه دولت الکترونیک را کند کرده است. ایران با ایجاد سامانه‌های نظارتی و نهادهای پاسخگو تا حدی از این موانع عبور کرده، اما هنوز نیازمند تقویت هماهنگی میان دستگاه‌ها و آموزش مستمر کارکنان است. موانع فرهنگی و اجتماعی، شامل نگرش‌های سنتی، مقاومت سازمانی، اعتماد پایین جامعه به نهادهای دولتی و نابرابری در دسترسی به فناوری، نقش تعیین‌کننده‌ای در پذیرش دولت الکترونیک دارند. ایران با تجربه آموزشی و اطلاع‌رسانی بیشتر موفق‌تر عمل کرده، اما عراق برای تغییر

نگرش‌های سازمانی و افزایش پذیرش اجتماعی، نیازمند برنامه‌های گسترده و منسجم است. موانع فنی و زیرساختی نیز یکی از مهم‌ترین محدودیت‌ها به شمار می‌روند. ضعف شبکه‌های ارتباطی، نبود سامانه‌های یکپارچه، محدودیت تجهیزات و زیرساخت‌های ناکافی و ضعف امنیت سایبری، مانع ارائه خدمات پایدار و امن هستند. ایران با زیرساخت‌های نسبتا مناسب و نهادهای نظارتی توانسته تا حدی این موانع را کاهش دهد، اما عراق همچنان نیازمند سرمایه‌گذاری گسترده در حوزه فناوری، امنیت و آموزش است.

بر اساس یافته‌های این پژوهش، برای توسعه پایدار دولت الکترونیک در ایران و عراق، اقدامات زیر پیشنهاد می‌شود:

– اصلاح و به‌روزرسانی قوانین به‌منظور ایجاد چارچوب الزام‌آور، هماهنگ و شفاف برای تمامی خدمات دیجیتال و تضمین حقوق شهروندان.

– تقویت نهادهای نظارتی و اجرایی با ایجاد کمیته‌های دیجیتال، سامانه‌های پایش و ارزیابی عملکرد و آموزش کارکنان برای بهبود کارایی و پاسخگویی.

– توسعه زیرساخت‌های فناورانه شامل شبکه‌های امن، مراکز داده متمرکز، تجهیزات مدرن و سامانه‌های یکپارچه برای تسریع فرآیندها و افزایش امنیت داده‌ها.

– افزایش سواد دیجیتال و فرهنگ‌سازی اجتماعی با برنامه‌های آموزشی برای کارکنان و شهروندان، اطلاع‌رسانی عمومی درباره مزایا و امنیت خدمات دیجیتال و تشویق استفاده از سامانه‌ها.

– همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی برای بهره‌گیری از تجارب موفق، استانداردهای بین‌المللی و انتقال فناوری به‌منظور تقویت زیرساخت‌ها و امنیت سایبری.

– ترویج شفافیت و پاسخگویی از طریق سامانه‌های آنلاین ثبت شکایات، انتشار گزارش عملکرد دستگاه‌ها و استفاده از فناوری‌های نوین برای نظارت بر فرآیندها.

در مجموع، توسعه دولت الکترونیک، فرآیندی چندبعدی است که موفقیت آن نه تنها به فناوری، بلکه به هماهنگی میان قوانین، نهادهای اجرایی، فرهنگ سازمانی و اعتماد اجتماعی وابسته است. ایران با تجربه عملیاتی و چارچوب قانونی نسبتا کامل، می‌تواند الگوی مناسبی برای اصلاحات عراق باشد و عراق با سرمایه‌گذاری در زیرساخت، آموزش و نهادسازی، می‌تواند مسیر توسعه پایدار دولت الکترونیک را هموار سازد. تحقق اهداف دولت دیجیتال شامل شفافیت، پاسخگویی و عدالت اداری، تنها با تعامل هم‌زمان ابعاد حقوقی، نهادی، فرهنگی و فناورانه ممکن خواهد بود.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانت‌داری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماما رعایت گردید.

تعارض منافع: در مقاله حاضر تضاد منافعی وجود ندارد.

سهم نویسندگان: نگارش مقاله به‌صورت مشترک توسط نویسندگان انجام گرفته است.

تشکر و قدردانی: از تمام کسانی که ما را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، سپاسگزاریم.

تأمین اعتبار پژوهش: پژوهش حاضر بدون تأمین مالی انجام شده است.

منابع و مآخذ

– احمدی، م (۱۴۰۱). *دولت الکترونیک و چالش‌های حقوقی آن در ایران*. تهران: دانشگاه تهران.

– حسینی، ر (۱۴۰۱). *شفافیت و پاسخگویی در دولت دیجیتال ایران*. تهران: پژوهشکده حقوق عمومی.

– صفری، ف (۱۳۹۸). *تحلیل تطبیقی قوانین دولت الکترونیک در ایران و کشورهای منطقه*. تهران: مرکز مطالعات حقوقی.

– عبدالرحمن، ح (۲۰۲۲). *تحديات تنفيذ الحكومة الإلكترونية في العراق*. بغداد: جامعة بغداد.

– عبدالله، ع (۲۰۲۲). *الإدارة الإلكترونية وأثرها علي الشفافية والمساءلة في العراق*. بغداد: دار النشر الجامعي.

– قادری، ن (۱۳۹۸). *حکمرانی خوب و دولت الکترونیک*. تهران: انتشارات سمت.

– کاظمی، س (۱۳۹۸). *زیرساخت‌ها و موانع اجرایی دولت الکترونیک در ایران*. تهران: انتشارات پژوهشگاه قوه قضائیه.

– مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. (۱۳۹۹). *گزارش ملی توسعه دولت الکترونیک*. تهران: مرکز پژوهش‌ها.

– نصیری، ج (۱۳۹۹). *مبانی حقوقی و نظری دولت الکترونیک*. مشهد: انتشارات فردوس.

– وزارة التخطيط العراقية (۲۰۲۰). *تقرير البنية التحتية لتقنية المعلومات فی العراق*. بغداد: الوزارة.

– وزارة العدل العراقية (۲۰۲۲). *قانون تشكيل هيأة النزاهة و الرقابة المالية*. بغداد: دار الحكومة.